

Gender in Persian Research Articles: A Corpus-based Approach to Interactional Metadiscourse Markers Based on Hyland's Model

Tahere Taremi

Ph.D. Students, Department of English, Humanities Faculty, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran

Giti Taki

Assistant Professor, Department of English, Humanities Faculty, Sistan & Baluchestan University, Zahedan, Iran

Pakzad Yousefian

Assistant Professor, Department of English, Humanities Faculty, Sistan & Baluchestan University, Zahedan, Iran

**Corresponding author, e-mail: giti_taki2020@yahoo.com*

Abstract

Metadiscourse is a term for the metalinguistic tools used to establish interaction in discourse. Hyland categorizes metadiscourse in two major classes. One of them is interactional metadiscourse which focuses on the participants in communication, the speaker or author's identity as well as the norms of the cooperative society. Interactional metadiscourse is comprised of five markers. The goal of the present study is to investigate whether there are any significant differences in terms of gender in the general use of the markers in interactional metadiscourse as well as in the distribution of various interactional metadiscourse markers across Persian research articles. To achieve this goal, thirty Persian single-author research articles were investigated. Half of the articles' authors were female and the other half were male. The interactional markers and their frequencies in the corpus were closely evaluated considering the situational context. The data were analyzed using SPSS. The findings indicate that, regarding the gender variable, there is an overall significant difference in the frequencies of the interactional metadiscourse markers. Further, the separate review of these markers in relation to gender shows that there are significant differences in the use of hedges, attitude markers, and self-mentions and there is no significant difference in the use of boosters and engagement markers between male and female writers. In short, the results of the present study confirm a gender-based approach in the distribution of linguistic forms.

Keywords: Metadiscourse, Interactional Metadiscourse Markers, Gender, Persian Research Articles, Hyland's Model

نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی

سال دهم، شماره اول، شماره ترتیبی ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۹/۱۲

تاریخ اصلاحات: ۱۳۹۷/۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۲۲

صص ۲۳-۴۲

جنسیت در مقالات علمی فارسی زبان: مطالعه پیکره بنیاد نشانگرهای فراگفتمان تعاملی براساس انگاره‌های

* ظاهره ظارمی

** گیتی تاکی

*** پاکزاد یوسفیان

چکیده

«فراگفتمان» اصطلاحی برای نامیدن امکانات فرازبانی برای برقراری تعامل در گفتمان است. الگوی این پژوهش، انگاره‌های هایلند (۲۰۰۵) است. در انگاره‌های هایلند یکی از دو طبقه اصلی فراگفتمان، فراگفتمان تعاملی است که با تمرکز بر شرکت‌کنندگان در تعامل، بر هویت‌گوینده یا نویسنده و هنجارهای جامعه‌کنشی تأکید می‌ورزد و شامل ۵ نوع نشانگر متفاوت است. هدف پژوهش حاضر، دستیابی به پاسخ این سؤال است که آیا تفاوت معناداری از نظر جنسیت در کاربرد کلی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی و نیز میان توزیع انواع نشانگرهای فراگفتمان تعاملی موجود در مقالات علمی-پژوهشی وجود دارد یا خیر. برای نیل به این هدف، پیکره‌ای مشتمل بر ۳۰ مقاله علمی-پژوهشی فارسی تک نویسنده منظور شد که نیمی از مقالات به قلم زنان و نویسنده نیم دیگر، مردان بودند. سپس پیکره به دقت و با در نظر گرفتن بافت موقعیت ارزیابی شد تا انواع نشانگرهای تعاملی موجود و بسامد رخداد آنها تعیین شوند. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نشان داد با توجه به متغیر جنسیت، تفاوت معناداری در میزان فراوانی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی به صورت کلی وجود دارد. در بازبینی تفکیکی انواع نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در ارتباط با متغیر جنسیت نیز مشخص شد درباره تردیدنماها، نگرش‌نماها و خوداظهاریها تفاوت معنادار وجود دارد و فقط درباره یقین‌نماها و دخیل‌سازها

ta_taremi@yahoo.com

* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان

giti_taki2020@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان (نویسنده مسؤل)

pakzady@gmail.com

*** استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان

Copyright©2018, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they can't change it in any way or use it commercially.

تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود؛ از این رو با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان ادعا کرد رویکرد جنسیت‌گرا درباره تمایز میان زنان و مردان در استفاده از صورت‌های زبانی تأیید می‌شود.

کلیدواژه‌ها:

فراگفتمان، نشانگرهای فراگفتمان تعاملی، جنسیت، مقالات علمی فارسی، انگاره‌های هایلند

۱. مقدمه

زلیگ هریس^۱ در ۱۹۵۹ نخستین بار واژه «فراگفتمان»^۲ را ابداع کرد؛ برای طرح روشی که با آن زبان کاربردی فهمیده می‌شود و تلاش‌هایی که از طرف نویسنده و خواننده متن برای درک آن صورت می‌گیرد (هایلند^۳، ۲۰۰۵: ۳). بعدها افرادی چون ویلیامز^۴ (۱۹۸۱)، وندکاپل^۵ (۱۹۸۵)، کریزمور^۶ (۱۹۸۹) و هایلند (۲۰۰۵)، مفهوم فراگفتمان را توسعه دادند. اصطلاح «فراگفتمان» اصطلاح عامی است که برای نامیدن امکانات فرازبانی برای تعامل در گفتمان به کار می‌رود. فراگفتمان به نویسنده یا گوینده این امکان را می‌دهد که نظرات خود را بیان کند و همچنین با مخاطب به منزله عضو از یک جامعه خاص ارتباط برقرار کند (هایلند، ۲۰۰۵: ۳۷) و هدف آن هدایت مخاطبان است، نه اطلاع‌رسانی به آنها (کریزمور، ۱۹۸۹: ۲۸۰). فراگفتمان‌ها با تعدادی از صورت‌های زبانی به نام «نشانگرهای فراگفتمان» شناخته می‌شوند که در مدل بینافردی فراگفتمان عنوان می‌شوند (هایلند، ۲۰۰۵: ۴۹-۵۴). «نشانگرهای فراگفتمان» یکی از ابزارهای مهم بلاغی ایجاد و تضمین‌کننده تعامل در متون‌اند.

ارتباط با اعضای جامعه گفتمانی دانشگاهی با نوشتن مقاله و چاپ در مجلات علمی - پژوهشی روش ارتباطی پیشرفته و نظام‌مندی است که به اعتقاد هوینگز^۷ (۲۰۰۶: ۲۵)، نویسندگان به این وسیله سعی دارند ادعاهای خود را با همکاران در میان گذارند. بررسی مطالعات در این حوزه نشان می‌دهد پژوهش درباره گفتمان دانشگاهی فارسی کمتر صورت گرفته است. ادل^۸ (۲۰۰۶: ۱۹۸) بر این باور است که جنسیت نویسنده می‌تواند بر انواع فراگفتمان کاربردی و بسامد آنها تأثیر بگذارد. این در حالی است که به مسئله تأثیر جنسیت بر کاربرد فراگفتمان در زبان فارسی تا حدودی بی‌توجهی شده است؛ از این رو، در پژوهش حاضر تلاش شده است با توجه به جنسیت نگارندگان مقالات، ماهیت و توزیع انواع نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در جنبه‌ای از رفتار زبانی گفتمان دانشگاهی فارسی - مقالات علمی پژوهشی - ارزیابی شود و بدین وسیله به سؤال‌های ذیل پاسخ دهد.

۱) آیا تفاوت معناداری میان توزیع انواع نشانگرهای فراگفتمان‌های تعاملی به کاررفته در مقالات علمی-پژوهشی به قلم زنان وجود دارد؟

¹Z. Harris

²metadiscourse

³K. Hyland

⁴J. M. Williams

⁵W. J. Vande Kopple

⁶A. Crismore

⁷M. Hewings

⁸A. Ädel

- ۲) آیا تفاوت معناداری میان توزیع انواع نشانگرهای فراگفتمان‌های تعاملی به کاررفته در مقالات علمی-پژوهشی به قلم مردان وجود دارد؟
- ۳) آیا تفاوت معناداری از نظر جنسیت در بسامد کلی کاربرد نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در مقالات علمی-پژوهشی وجود دارد؟
- ۴) آیا تفاوت معناداری از نظر جنسیت در کاربرد انواع پنج‌گانه نشانگرهای فراگفتمان تعاملی موجود در مقالات علمی-پژوهشی وجود دارد؟

۲. پیشینه مطالعات

حجم و تنوع زیاد پژوهش‌ها در حوزه فراگفتمان، شاهدهی است بر اینکه فراگفتمان «مشخصه متمایزکننده زبان است که در همه گفتمان‌ها موجود است و استحقاق این را دارد که زبان‌شناسان به آن توجه جدی و دقیق داشته باشند» (موران، ۱۹۹۲). مطالعات پیشین نشان می‌دهند مبحث فراگفتمان در حوزه‌های گوناگون و بافت‌های مختلف از قبیل کتاب، مقالات علمی، نوشتار دانش‌آموزان، روزنامه، جلسات دفاع از پایان‌نامه و سخنرانی همایش‌ها ارزیابی شده‌اند. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهند متغیرها و فاکتورهای فردی از جمله جنسیت نیز بر گزینش و کاربرد انواع فراگفتمان تأثیر می‌گذارد. گری^۱ (۱۹۹۸) بر این باور است که نقطه آغاز مقایسه تفاوت‌های رفتاری میان زنان و مردان در کاربرد صورت‌های زبانی به دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد. از آن زمان تا کنون مطالعات زیادی به بررسی تفاوت‌های زبانی زنان و مردان اختصاص یافته است که بیشتر آنها بر تعامل‌های گفتاری متمرکز است؛ اما حجم پژوهش‌هایی که در خصوص تفاوت‌های جنسیتی در منابع فراگفتمانی وجود دارد، چندان زیاد نیست و از این میان تعدادی از مهم‌ترین آنها ذکر می‌شود.

کریزمور و همکاران (۱۹۹۳) به مطالعه نقش جنسیت و نشانگرهای فراگفتمان در نویسندگان آمریکایی و فنلاندی پرداخته‌اند. آنها بیان می‌کنند زنان فنلاندی از بیشترین میزان تردیدنا و مردان آمریکایی از کمترین میزان تردیدنا در نگارش خود استفاده می‌کنند. علاوه بر این، زنان فنلاندی تمایل به کاربرد بیشتر تردیدنا را نسبت به زنان آمریکایی از خود نشان می‌دهند.

دآنجلو^۲ (۲۰۰۸) به بررسی هویت، جنسیت و قدرت در مقالات نقد کتاب بر مبنای تجزیه و تحلیل فراگفتمان همت گمارده است. او مقالات انگلیسی از رشته‌های زبان‌شناسی کاربردی، اقتصاد، مطالعات حقوقی و پزشکی منتشر شده در بازه زمانی ۲۰۰۰-۲۰۰۸ را بازبینی کرد. یافته‌های پژوهش اثبات می‌کند جنسیت بر گفتمان دانشگاهی تأثیر می‌گذارد؛ زیرا در رشته‌های دانشگاهی مطالعه‌شده، تفاوت‌هایی در توزیع کلی فراگفتمان میان دو جنسیت مشاهده می‌شوند.

تس و هایلند (۲۰۰۸) پیکره‌شان را کتاب‌های دانشگاهی در حوزه فلسفه و زیست‌شناسی قرار داده‌اند و نشانگرهای فراگفتمان موجود در این کتاب‌ها را با توجه به جنسیت نویسندگان بررسی کرده‌اند. یافته‌های آنها حاکی از آن است که در هر دو جنسیت، مشخصه‌های فراگفتمانی تعاملی دو برابر بیش از مشخصه‌های فراگفتمانی تبادل‌ی استفاده شده است و تفاوت معناداری در کاربرد نشانگرهای فراگفتمان در میان نویسندگان زن و مرد وجود دارد.

^۱C. Grey

^۲L. D'Angelo

سرات^۱ (۲۰۱۲) به تبیین تفاوت‌های جنسیتی در کاربرد دو نشانگر مهم فراگفتمان (شامل تردیدنماها و یقین‌نماها) موجود در مقالات پژوهشی دانشگاهی پرداخته است. او پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها اظهار می‌کند در هر دو جنسیت، میزان استعمال تردیدنماها به‌طور معناداری بیش از یقین‌نماها است و زنان بیشتر تمایل دارند تعهد قوی‌تری درباره گزاره‌های مطرح‌شده بیان کنند. به عبارت دیگر، زنان بیش از مردان از یقین‌نماها در گفتمان دانشگاهی استفاده می‌کنند. غفوری و عقبی‌طلب (۲۰۱۲) تعداد ۲۰ مقاله علمی - پژوهشی در رشته زبان‌شناسی کاربردی را به‌نحوی برگزیده‌اند که نویسنده آنها ۱۰ زن و ۱۰ مرد و زبان مادری آنها انگلیسی باشد. همچنین مدل فراگفتمان هایلند (۲۰۰۵) چارچوب تحلیلی برای انواع عناصر فراگفتمان در نظر گرفته شده است. نتایج آماری نشان می‌دهد تفاوت معناداری در کاربرد کلی فراگفتمان بین دو جنسیت وجود ندارد؛ اما تفاوت‌های معناداری در توزیع زیرطبقه‌های نشانگرهای فراگفتمان میان دو جنسیت مشاهده می‌شود.

کربلائی و دوائی (۲۰۱۳) انواع نشانگرهای بینافردی مدل هایلند در نگارش دانشجویان دختر و پسر رشته مهندسی شیمی را ارزیابی قرار کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهند خوداظهاری‌ها بیشترین بسامد و تردیدنماها و یقین‌نماها کمترین بسامد را در هر دو جنسیت داشتند. آنها به‌طور کلی اذعان داشته‌اند تفاوت‌های جنسیتی در کاربرد نشانگرها با درجه‌های مختلفی از رخداد در تمام انواع فراگفتمان‌های بینافردی وجود دارد.

زارعی فرد و علی‌نژاد (۲۰۱۴) با تمرکز بر گفتمان گفتاری دانشگاهی (شامل ۱۸ جلسه دفاع از پایان‌نامه) و با استفاده از مدل فراگفتمان هایلند و تس (۲۰۰۴) به دنبال یافتن رابطه میان یک فعالیت زبانی به نام فراگفتمان تعاملی و یک متغیر غیرزبانی به نام جنسیت‌اند. آنها با تجزیه و تحلیل کمی داده‌ها نشان می‌دهند تفاوت‌های جنسیتی در کاربرد نشانگرهای فراگفتمان تعاملی مشهود است و دانشجویان زن نسبت به مردان از نشانگرهای فراگفتمان تعاملی بیشتری در گفتار خود استفاده می‌کنند و تنها زیرطبقه‌ای که میزان فراوانی آن در گروه مردان بیشتر بود، خوداظهاری‌ها هستند؛ با این حال، تحلیل کیفی داده‌ها نشان‌دهنده این است که کیفیت کاربرد نشانگرهای فراگفتمان تعاملی متأثر از متغیر جنسیت نیست. به بیان دیگر، دانشجویان اعم از زن و مرد متأثر از قدرت ژانر (جلسات دفاع از پایان‌نامه) و با اهداف تعاملی مدنظر، از استراتژی یکسانی برای بهره‌گیری از نشانگرهای فراگفتمان تعاملی استفاده می‌کنند.

پیشینه مطالعات نشان می‌دهند به تأثیر متغیر جنسیت بر فراگفتمان در زبان فارسی تا حدودی بی‌توجهی شده است؛ از این رو در پژوهش حاضر به کاربرد فراگفتمان تعاملی با توجه به جنسیت افراد در گفتمان دانشگاهی زبان فارسی با تأکید بر نمونه بارز آن پرداخته می‌شود که همانا مقالات علمی - پژوهشی است.

۳. مبانی نظری

فراگفتمان، ابزار زبانی نوشتاری یا گفتاری شناخته می‌شود که چیزی به محتوای گزاره اصلی اضافه نکرده است؛ اما به خواننده کمک می‌کند اطلاعات داده‌شده را ساماندهی و ارزیابی کند (کریزمور و همکاران، ۱۹۹۳). هایلند تمام جنبه‌های مربوط به تعامل میان نویسنده متن و متن و همچنین نویسنده متن و خواننده متن را ذیل اصطلاح «فراگفتمان»، تعریف و ادعا می‌کند پژوهشگر در چارچوب مطالعه مبتنی بر فراگفتمان می‌تواند از دایره متن و گفتمان فراتر برود و متن را به‌مثابه کنشی اجتماعی تحلیل کند (هایلند، ۲۰۰۵). وند کاپل و ویلیام (۱۹۸۵) نیز فراگفتمان را ابزاری تعریف می‌کنند

¹S. Serholt

که به خواننده در ساماندهی و فهم و ارزیابی نگرش‌ها کمک می‌کند. فراگفتمان بیان این ایده است که ارتباط زبانی فراتر از تبادل صرف اطلاعات و گزاره‌ها است و درحقیقت شامل هویت‌ها، نگرش‌ها و فرض‌های طرفین ارتباط است (هایلند، ۲۰۰۵). بنابراین نویسندگان هنگام نگارش در دو سطح مختلف کار می‌کنند؛ سطح نخست، شامل گزاره اصلی است که گفتمان نامیده می‌شود و سطح دوم، فراگفتمان است که گزاره اصلی را با نشانگرهای فراگفتمان تسهیل می‌کند (وند کاپل و ویلیام، ۱۹۸۵). در ادبیات فراگفتمان مدل‌های متعددی به چشم می‌خورد (وند کاپل و ویلیام، ۱۹۸۵؛ کریزمور، ۱۹۸۹؛ کریزمور و همکاران، ۱۹۹۳ و هایلند ۱۹۹۸، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵) که بیشتر آنها بر مبنای زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرای (SFL) هالیدی (۱۹۹۴) ارائه شده‌اند. هالیدی سه نقش ارتباطی برای زبان مطرح می‌کند که عبارت‌اند از: نقش اندیشگانی (کاربرد زبان برای بیان تجربیات و نظرات)، نقش بینافردی (به‌کارگیری زبان برای ایجاد تعامل و بیان احساسات و ارزیابی‌ها) و نقش متنی (کاربرد زبان برای سازماندهی متن و ایجاد انسجام و ارجاع به جهان خارج و خواننده) (هایلند، ۲۰۰۵: ۲۶). گرچه طبقه‌بندی کریزمور در مطالعات فراگفتمان تأثیر بسزایی داشته، این انگاره محدودیت‌هایی دارد و نقدهایی بر آن وارد است. هایلند (۱۹۹۸)، طرح کریزمور و همکاران (۱۹۹۳) را اصلاح و مدلی جامع از فراگفتمان معرفی کرد. مدل فراگفتمان هایلند (۱۹۹۸) دربرگیرنده دو بخش بود: متنی و بینافردی. اما پس از مدتی هایلند و تس (۲۰۰۴) نقش دوگانه فراگفتمان (متنی و بینافردی) را رد کردند. آنها ضمن پذیرفتن مدل‌های قبلی ادعا کردند فراگفتمان‌ها تأکید بیشتری بر نقش بینافردی دارند و بر این باورند که «همه فراگفتمان‌ها بین‌فردی‌اند؛ زیرا دانش‌گوینده یا نویسنده، تجربیات و نیازهایشان را بازتاب می‌دهند» (هایلند و تس، ۲۰۰۴: ۱۵۷)؛ ازاین‌رو، هایلند (۲۰۰۵) با پذیرش مدل تامپسون^۱ (۲۰۰۱) تغییری در انگاره خود ایجاد کرد و فراگفتمان تبادلی^۲ و تعاملی^۳ را بیان کرد که به ترتیب متناظر با فرائقش‌های متنی و بینافردی هالیدی (۱۹۹۴) قرار می‌گیرند. او تمایز روشنی میان این دو گونه فراگفتمان مطرح کرد؛ فراگفتمان‌های تبادلی با سازماندهی اطلاعات گزاره‌ای به‌نحوی عمل می‌کنند که متن را منسجم و برای مخاطب، متقاعدکننده جلوه دهد (هایلند، ۲۰۰۵: ۵۰). به عبارت دیگر، فراگفتمان تبادلی با تأکید بر محتوای گفتمان و با به‌کارگیری مجموعه‌ای از امکانات زبانی مانند گذرها^۴، چارچوب‌سازها^۵، ارجاع‌های درون‌متنی^۶، شواهد^۷ و تأویل رمزها^۸ به نویسنده این امکان را می‌دهد که اطلاعات گزاره‌ای را مدیریت کند تا تعبیر مرجح برداشت شود.

فراگفتمان تعاملی برای نشان‌دادن چشم‌انداز نویسنده نسبت به اطلاعات گزاره‌ای و خواننده به کار می‌رود (هایلند، ۲۰۰۵: ۵۲). فراگفتمان‌های تعاملی با تمرکز بر شرکت‌کنندگان در تعامل، بر هویت‌گوینده یا نویسنده و هنجارهای جامعه‌کنشی تأکید می‌کند و شامل موارد زیر است:

- تردیدنماها^۹ که برای سرباززدن‌گوینده از تعهد کامل به معانی پاره‌گفت‌ها به کار می‌رود و بیان‌کننده شک و تردید او نسبت به درستی گزاره بیان شده است.

^۱G. Thompson

^۲interactive metadiscourse = metatextual items

^۳interactional metadiscourse = interpersonal items

^۴transitions

^۵frame markers

^۶endophoric markers

^۷evidentials

^۸code glosses

^۹hedges

- یقین‌نماها^۱ صورت‌های زبانی‌اند که یقین و قطعیت نویسنده را نسبت به تحقق امری بازتاب می‌دهند. به عبارتی دیگر، نشان‌دهنده اطمینان نویسنده و تأکید او بر معانی پاره‌گفت‌ها است.
- نگرش‌نماها^۲ که بیان‌کننده دیدگاه نویسنده نسبت به معانی پاره‌گفت‌ها، بیان‌کننده شگفتی، اجبار، موافقت، اهمیت و غیره است.
- خوداظهاریها^۳ که با آنها شخص با استفاده از ضمائر شخصی و ملکی در گفتمان، حضور خود را پررنگ می‌کند.
- دخیل‌سازها^۴ که برای ارتباط نویسنده با مخاطب یا جلب توجه آنها به موضوع مورد بحث یا شرکت‌دادن آنها در گفتمان از طریق ضمائر دوم شخص، پاره‌گفت‌های امری، پرسش و غیره کاربرد دارد.
- با توجه به اینکه جامعه علمی، انگاره‌های بلند (۲۰۰۵) را به‌طور وسیعی پذیرفته است و با اهداف مطالعه حاضر نیز همخوانی و تناسب دارد، پژوهش حاضر در قالب این مدل صورت می‌گیرد.

جدول ۱- معادل فارسی انگاره فراگفتمان تعاملی هایلند (۲۰۰۵: ۴۹)

نشانگرها	نقش	نمونه
تردیدنماها	از تعهد، جلوگیری و زمینه را برای گفتگوی باز فراهم می‌کند	ظاهراً / شاید / به نظر می‌رسد
یقین‌نماها	نشان‌دهنده اطمینان نویسنده و تأکید او بر معانی پاره‌گفت‌ها است	قطعاً / بی‌تردید / مبرهن است که
نگرش‌نماها	بیان‌کننده نگرش نویسنده نسبت به معانی پاره‌گفت‌ها است	متأسفانه / جالب توجه اینکه / خوشبختانه
خوداظهاریها	به‌طور مستقیم به نویسنده ارجاع می‌دهد	من / ما / بر این باوریم / معتقدم که
دخیل‌سازها	آشکارا با خواننده متن ارتباط برقرار می‌کند	فرض کنید / توجه کنید / ببینید

۴. روش پژوهش

برای انجام پژوهش حاضر که به بررسی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی اختصاص دارد، تعداد ۳۰ مقاله فارسی‌زبان منتشرشده در مجلات دارای رتبه علمی - پژوهشی به‌عنوان پیکره انتخاب شده است. به‌منظور پوشش مناسب‌تر و روایی بیرونی بهتر، مقالات به نحوی گزینش شده‌اند که به‌طور مساوی سه حوزه علوم انسانی، فنی مهندسی و علوم پایه را پوشش دهند. مجلات علمی - پژوهشی از هر حوزه به‌طور تصادفی از منابع الکترونیکی موجود در دانشگاه انتخاب می‌شود. سپس با توجه به اینکه در پژوهش حاضر، متغیر جنسیت باید لحاظ شود، محدودیتی اعمال می‌شود که صرفاً مقالاتی که تک‌نویسنده هستند، مدنظر واقع شوند. درخور ذکر است دستیابی به چنین مقالاتی به‌خصوص در حوزه فنی - مهندسی دشوار است. به این ترتیب تعداد ۱۰ مقاله از هر یک از سه حوزه مذکور برگزیده می‌شود؛ به نحوی که نیمی از آنان به قلم زنان و نیم دیگر به قلم مرد باشند. همچنین تمامی مقالات بررسی شده از نویسندگان مختلف برگزیده می‌شوند تا بدین ترتیب تأثیر سبک‌های نوشتاری فردی به حداقل رسانده شود. گفتنی است با عنایت به ماهیت پویای فراگفتمان، پیکره انتخابی باید به بازه زمانی خاصی محدود شود تا از تغییرات در زمانی احتمالی جلوگیری شود؛ از این رو، مقالاتی

¹ boosters

² attitude markers

³ self mentions

⁴ engagement markers

گزینش می‌شوند که در محدوده زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۵ منتشر شده باشند. شایان توجه است مطالعاتی که روی پیکره‌های بزرگ انجام می‌شود؛ بیشتر به مواردی از کارکردهای سطوح زیرین گفتمان از قبیل جنبه‌های واژگانی و دستوری می‌پردازند که می‌توانند در رایانه برنامه‌ریزی شوند (فرکلاف^۱، ۲۰۰۳: ۱۳۱). بنابراین با توجه به اینکه فراگفتمان مقوله‌ای مبهم و وابسته به بافت است و کارکردی چندگانه دارد (ادل، ۲۰۰۶: ۲۱-۲۶)، پیکره پژوهش حاضر به صورت غیرماشینی تحلیل می‌شود.

همان‌طور که پیش از این ذکر شد با توجه به اهداف پژوهش حاضر، مدل فراگفتمان هایلند (۲۰۰۵) انتخاب شده است؛ زیرا نسبت به سایر مدل‌های پیشنهادی کامل‌تر است و جامعیت بیشتری دارد. هایلند (۲۰۰۵: ۲۱۸-۲۲۴) حدود ۵۰۰ واژه و عبارت انگلیسی را صورت‌های زبانی مختلف فراگفتمان در ضمیمه کتاب خود معرفی کرده است؛ اما با وجود این، بنابر ادعای بسیاری از پژوهشگران، هیچ فهرست مشخصی برای فراگفتمان وجود ندارد (ادل، ۲۰۰۶: ۲۱-۲۶؛ هایلند، ۲۰۰۵: ۲۴) و همین امر پایایی بررسی‌های رایانه‌ای را زیر سؤال می‌برد و با مشکل مواجه می‌کند. برای استفاده از این مدل برای زبان فارسی، واژه‌ها و عبارات موجود در ضمیمه کتاب هایلند (۲۰۰۵) ملاک قرار داده شده است و معادل فارسی برای هریک از عناصر زبانی نشانگرهای فراگفتمان تهیه شد. بدین ترتیب لیستی با حدود ۳۰۰ مورد برای زبان فارسی تعیین شده است که سنجش داده‌ها براساس آنها صورت می‌گیرد. پس از آنکه پیکره داده‌ها مشخص شد، مقالات بر مبنای جنسیت نویسنده آنها در دو فایل مجزا ثبت شدند. هریک از مقالات به دقت بررسی شدند تا در گام نخست، نشانگرهای فراگفتمان تعاملی موجود در آنها استخراج شود. در گام دوم، نوع هریک از آنها براساس طبقه‌بندی هایلند (۲۰۰۵)، تعیین و درنهایت، بسامد رخدادشان محاسبه شد.

۵. تحلیل داده‌ها

همان‌گونه که اشاره شد هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر متغیر جنسیت بر کاربرد نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در مقالات علمی است؛ از این رو، در این بخش، برای دستیابی به پاسخ پرسش‌های پژوهش، اطلاعات آماری به تفکیک جنسیت ارائه می‌شوند.

۱-۵. توزیع فراوانی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در مقالات به نگارش زنان

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند نویسندگان زن از پنج طبقه نشانگرهای فراگفتمان تعاملی مدل هایلند (۲۰۰۵) با استراتژی‌های متفاوتی بهره می‌برند که در ذیل به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود.

مثال (۱) اطلاعات دقیقی در مورد رشد این ماهی در سواحل دارای طول بزرگ‌تر از صفر بود... (تعیین‌نما)

مثال (۲) برخی از این آجرها علیرغم گذشت زمان و فرسایش محیطی همچنان از استحکام و سختی نسبتاً خوبی برخوردار هستند... (تردیدنما)

مثال (۳) جالب توجه آن‌که، سخت‌رویی شخصیتی ارتباط مثبتی با سخت‌کوشی و جدیت در کار دارد... (نگرش‌نما)

مثال (۴) در ادامه یافته‌های پژوهش حاضر را مرور می‌کنیم. (خوداظهار)

مثال (۵) طراحان سیاست خارجی این کشورها فشار می‌آورند که شما باید از دموکراتیزاسیون (دخیل‌ساز)

¹N. Fairclough

پس از آن که نشانگرهای فراگفتمان تعاملی موجود در مقالات و نوع آنها مشخص شد، فراوانی آنها محاسبه می‌شود که نتایج در جدول (۲) نشان داده می‌شود.

جدول ۲- جدول توزیع فراوانی انواع پنج‌گانه نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در گروه زنان

نشانگرهای فراگفتمان تعاملی	یقین‌نماها	تردیدنماها	نگرش‌نماها	خوداظهارها	دخیل‌سازها
فراوانی	۴۰۱	۳۱۷	۳۸۹	۷	۱۸
درصد	۳۵/۴	۲۸/۰	۳۴/۴	۰/۶	۱/۶

یافته‌های آماری نشان می‌دهند پژوهشگران زن به میزان بسیار اندکی (حدوداً ۰/۶ درصد) از نشانگر خوداظهاری استفاده می‌کنند و برای نشان دادن هویت فردی و حرفه‌ای خود به‌منزله عضو از گفتمان دانشگاهی از ساخت‌های غیرشخصی استفاده می‌کنند و بدین نحو سعی در برجسته‌سازی پژوهش مدنظر و یافته‌های آن و کمرنگ‌سازی حضور خود در متن دارند. این امر نشان می‌دهد در پیکره بررسی شده نیز طبق بیان هایلند (۲۰۰۵: ۳۵۱) «غیرشخصی‌سازی در گفتمان دانشگاهی به اسطوره تبدیل شده است». برعکس در گفتمان دانشگاهی گفتاری، فرد به‌طور گسترده از ضمیرهای اول شخص و صفت‌های ملکی اول شخص برای بیان اطلاعات، احساسات و معانی بین‌فردی استفاده می‌کند. در گفتار دانشگاهی، گویندگان برای اتخاذ مواضع خود به‌عنوان پژوهشگر و ارجاع به خود ناچار به استفاده از ضمیر اول شخص هستند (زارعی فرد، ۱۳۹۲). نشانگر فراگفتمان دخیل‌ساز در رتبه بعدی قرار می‌گیرد. دخیل‌سازها به تعامل با خواننده ارتباط می‌یابند و موقعیت خواننده را به‌عنوان شرکت‌کننده در گفتمان تثبیت می‌کنند و به صورت‌های مختلفی از جمله ضمیر دوم شخص، صورت‌های پرسشی و امری نمود می‌یابند. بسامد این فراگفتمان نیز در پیکره بررسی شده ۱/۶ درصد است که این میزان اندک فراوانی می‌تواند ناشی از این امر باشد که در مقالات علمی - پژوهشی بیشتر به جنبه اطلاع‌رسانی گفتمان توجه می‌شود تا جنبه درگیرسازی خواننده در گفتمان. تردیدنماها با بسامد ۲۸ درصدی در رده سوم قرار می‌گیرند که در گفتمان دانشگاهی شامل انواع افعال واژگانی و وجهی، ساخت مجهول، صفت‌ها و قیدها می‌شوند. تردیدنماها سبب می‌شوند گزاره با دقت و احتیاط بیشتری بیان شود و بدین نحو امکان تأیید یا تکذیب را برای مخاطب فراهم آورد. نگرش‌نماها در رده بعدی قرار می‌گیرند. این نشانگرهای فراگفتمان که از میزان فراوانی چشمگیری برخوردارند (۳۴/۴ درصد)، بیان‌کننده نگرش نویسنده نسبت به گزاره‌ها است و با ابزارهایی نظیر قید و صفت، نگرش مثبت یا منفی نویسنده را جلوه‌گر می‌کنند. نشانگرهای یقین‌نما بیشترین درصد فراوانی (۳۵/۴ درصد) را در میان تمامی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی به کاررفته در مقالات علمی - پژوهشی به قلم زنان به خود اختصاص می‌دهند. یقین‌نماها برای بیان اطمینان نویسنده نسبت به گزاره بیان‌شده استفاده می‌شوند و هدف از به کار بردن آنها تأکید بر موضوع بحث و اطمینان‌بخش بودن گزاره‌های مطرح شده است (هایلند، ۲۰۰۵ b: ۱۷۵).

در این مرحله با توجه به داده‌های جدول (۲) به محک دو فرضیه زیر پرداخته می‌شود:

فرض صفر: تفاوت معنی‌داری میان انواع پنج‌گانه نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در گروه زنان وجود ندارد.

فرض مقابل: تفاوت معنی‌داری میان انواع پنج‌گانه نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در گروه زنان وجود دارد.

جدول ۳- جدول آزمون کای دو

مقادیر	روش
۶۹۲/۱۳۴	آماره کای دو
۴	درجه آزادی
۰/۰۰۱	سطح معنی داری

در جدول فوق مقدار آماره کای دو با مقدار ۶۹۲/۱۳۴، درجه آزادی با مقدار ۴ و sig یا همان سطح معنی داری با مقدار ۰/۰۰۱ برای متغیر انواع پنج گانه نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در گروه زنان بررسی شده است. با توجه به اینکه مقدار sig متناظر با آماره کای دو در سطر اول جدول فوق کمتر از ۰/۰۵ یعنی معادل (۰/۰۰۱) است، فرض صفر رد می شود؛ به این معنا که بین توزیع انواع پنج گانه نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در گروه زنان تفاوت معنی داری وجود دارد.

۲-۵. توزیع فراوانی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در مقالات به نگارش مردان

بررسی ها نشان می دهند مردان نیز به مانند زنان از انواع پنج گانه نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در نگارش مقالات علمی خود بهره می گیرند که میزان کاربرد آنها در جدول (۴) نمایش داده می شود.

جدول ۴- جدول توزیع فراوانی انواع پنج گانه نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در گروه مردان

نشانگرهای فراگفتمان تعاملی	یقین نماها	تردیدنماها	نگرش نماها	خوداظهارها	دخیل سازها
فراوانی	۴۵۲	۲۴۶	۳۲۰	۷۹	۳۰
درصد	۴۰/۱	۲۱/۸	۲۸/۴	۷/۰	۲/۷

همان گونه که از داده های جدول برمی آید دخیل سازها کمترین میزان فراوانی را در میان انواع نشانگرهای فراگفتمان تعاملی موجود در مقالات علمی - پژوهشی به قلم مردان دارند که این بسامد اندک ناشی از ژانر گفتمان دانشگاهی نوشتاری است. نشانگرهای خوداظهاری با فراوانی ۷ درصد، در مرتبه بعدی واقع می شوند که تعداد کمی از آنها در نقش نگارشگر متن^۱ و بیشتر با کارکرد برشمردن مراحل پژوهش^۲ ظاهر می شوند. تردیدنماها که در رده سوم قرار می گیرند، این امکان را به نویسنده می دهند که با استفاده از آنها در متن خود، تعهدش را نسبت به ادعاهایش، محدود و رابطه خود را با گزاره ها به صورت مبهم بیان کند. نگرش نماها با فراوانی ۲۸/۴ درصد در مقالات علمی - پژوهشی بررسی شده برای بیان نگرش نویسنده نسبت به گزاره های بیان شده است. نشانگرهای یقین نما با فراوانی ۴۰/۱ درصد، بیشترین میزان فراوانی را در میان نشانگرهای فراگفتمان تعاملی دارد و به طور ضمنی قطعیت نویسنده را نسبت به گزاره ها نشان می دهد. حال به بررسی دو فرضیه زیر پرداخته می شود:

فرض صفر: تفاوت معنی داری میان انواع پنج گانه نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در گروه مردان وجود ندارد.
فرض مقابل: تفاوت معنی داری میان انواع پنج گانه نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در گروه مردان وجود دارد.

^۱originator

^۲recounter of research

جدول ۵- جدول آزمون کای دو

مقادیر	روش
۵۳۳/۸۷۴	آماره کای دو
۴	درجه آزادی
۰/۰۰۱	سطح معنی داری

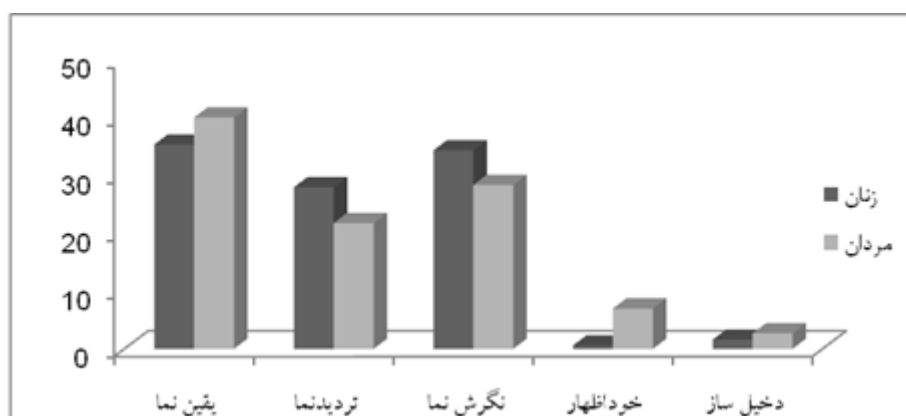
در جدول فوق مقدار آماره کای دو با مقدار ۵۳۳/۸۷۴، درجه آزادی با مقدار ۴ و سطح معنی داری با مقدار ۰/۰۰۱ برای متغیر انواع پنج‌گانه نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در گروه مردان بررسی شده است. با توجه به اینکه مقدار Sig متناظر با آماره کای دو در سطر اول جدول فوق کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر رد می‌شود. به عبارتی، بین توزیع انواع پنج‌گانه نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در گروه مردان تفاوت معنی داری وجود دارد.

۳-۵. مقایسه توزیع فراوانی کلی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در مقالات با توجه به متغیر جنسیت

در این قسمت در قالب نمودار (۱) به سنجش توزیع فراوانی انواع نشانگرهای تعاملی با توجه به متغیر جنسیت پرداخته می‌شود و با آزمون آماری کای دو تعیین می‌شود که آیا ارتباط معناداری بین نشانگرهای فراگفتمان تعاملی و دو گروه جنسیت وجود دارد یا خیر.

فرض صفر: تفاوت معناداری از نظر جنسیت در بسامد کلی کاربرد نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در مقالات علمی - پژوهشی وجود ندارد.

فرض مقابل: تفاوت معناداری از نظر جنسیت در بسامد کلی کاربرد نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در مقالات علمی - پژوهشی وجود دارد.



نمودار ۱- درصد فراوانی انواع نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در مقالات با توجه به متغیر جنسیت

بررسی یافته‌ها نشان می‌دهند یقین‌نماها در هر دو جنسیت از بیشترین درصد فراوانی در میان انواع نشانگرهای فراگفتمان تعاملی برخوردارند و کمترین بسامد در گروه زنان به خوداظهارها و در گروه مردان به دخیل‌سازها تعلق می‌گیرد. در مقایسه درصد فراوانی انواع نشانگرهای فراگفتمان تعاملی با توجه به متغیر جنسیت نیز مشخص می‌شود که در خصوص

تردیدنماها و نگرش نماها زنان از مردان پیشی گرفته اند؛ درحالی که درصد فراوانی یقین نماها، خوداظهارها و دخیل سازها در مقالات به قلم مردان بیش از زنان است.

جدول ۶- جدول توزیع فراوانی انواع پنج گانه نشانگرهای فراگفتمان تعاملی و دو گروه جنسیت

مجموع	جنسیت				
	مرد	زن			
۸۵۳	۴۵۲	۴۰۱	فراوانی	یقین نماها	نشانگرهای فراگفتمان تعاملی
۳۷/۸٪	۲۰/۰٪	٪۱۷/۸	درصد		
۵۶۳	۲۴۶	۳۱۷	فراوانی	تردیدنماها	
۲۴/۹٪	۱۰/۹٪	۱۴/۰٪	درصد		
۷۰۹	۳۲۰	۳۸۹	فراوانی	نگرش نماها	
۳۱/۴٪	۱۴/۲٪	۱۷/۲٪	درصد		
۸۶	۷۹	۷	فراوانی	خوداظهارها	
۳/۸٪	۳/۵٪	۰/۳٪	درصد		
۴۸	۳۰	۱۸	فراوانی	دخیل سازها	
۲/۱٪	۱/۳٪	۰/۸٪	درصد		
۲۲۵۹	۱۱۲۷	۱۱۳۲	فراوانی	مجموع	
۱۰۰/۰٪	۴۹/۹٪	۵۰/۱٪	درصد		

جدول ۷- جدول آزمون کای دو

سطح معنی داری (sig 2- sided)	درجه آزادی	مقدار کای دو	
۰/۰۰۱	۴	۸۱/۹۸۷	آزمون کای دو

برای آزمون آماری در این قسمت، از مقدار sig(2-sided) یا همان سطح معنی داری (p-value) استفاده می شود که این مقدار برابر با ۰/۰۰۱ و از ۰/۰۵ (خطای نوع اول) کمتر است؛ بنابراین ارتباط معناداری بین بسامد کلی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی و دو گروه جنسیت وجود دارد.

۳-۵. مقایسه توزیع فراوانی تفکیکی انواع نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در مقالات با توجه به متغیر جنسیت

در این بخش به بررسی تفکیکی انواع پنج گانه نشانگرهای فراگفتمان تعاملی موجود در مقالات به قلم زنان و مردان پرداخته می شود و در هر قسمت با استفاده از آزمون کای دو، فرضیه های زیر محک زده می شوند.
فرض صفر: تفاوت معناداری میان نوع بررسی شده نشانگر فراگفتمان تعاملی با توجه به متغیر جنسیت وجود ندارد.
فرض مقابل: تفاوت معناداری میان نوع بررسی شده نشانگر فراگفتمان تعاملی با توجه به متغیر جنسیت وجود دارد.

۱-۴-۵. مقایسه توزیع فراوانی یقین نماها در مقالات با توجه به متغیر جنسیت

در پیکره بررسی شده، نمونه‌های زیادی از نشانگرهای یقین‌نما یافت می‌شود که دو نمونه از آنها ذکر می‌شود: مثال (۱. الف) قطعاً بهترین انتخاب کشورهایی هستند که به لحاظ سیاسی و ایدئولوژیکی با کشور آمریکا ...

مثال (۱. ب) براساس این تقسیمات، نقشه خاورمیانه کاملاً تغییر می‌کرد.

بررسی نمونه‌های یقین‌نماها نشان می‌دهد این ابزارهای فراگفتمان تعاملی بیشتر به صورت قید و برای اطمینان از آنچه ذکر شده به کار می‌روند (هایلند، ۲۰۰۵: ۱۷۹).

جدول ۸- جدول توزیع فراوانی یقین‌نماها در دو گروه جنسیت

گروه	زن	مرد
فراوانی	۴۰۱	۴۵۲
درصد	۴۷/۰	۵۳/۰

جدول ۹- جدول آزمون کای دو برای یقین‌نماها

مقادیر	روش
۳/۰۴۹	آماره کای دو
۱	درجه آزادی
۰/۰۸۱	سطح معنی‌داری

در جدول (۹)، آزمون آماری برای متغیر نشانگر فراگفتمان تعاملی یقین‌نما در دو گروه جنسیتی بررسی شده است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری متناظر با آماره کای دو، بیشتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر تأیید می‌شود؛ به این مفهوم که تفاوت معناداری میان زنان و مردان در میزان به کارگیری نشانگر تعاملی یقین‌نما وجود ندارد.

۵-۴-۲. مقایسه توزیع فراوانی تردیدنماها در مقالات با توجه به متغیر جنسیت

براساس هایلند (۱۹۹۶: ۲۶۱) در علم، ابزارهای تردیدنما بیشتر، عنصری برای اقناع هستند که سبب می‌شوند ادعای مطرح شده با احتیاط، دقت و فروتنی بیان شود و توقع مخاطب را برای دقت و مذاکره برآورده کند. زنان و مردان هر دو از نشانگرهای فراگفتمان تعاملی تردیدنما در دو گروه گزاره‌محور^۱ و گوینده‌محور^۲ استفاده می‌کنند. در اینجا بهتر است از اصطلاح کنشگر بیانی به جای گوینده استفاده شود که دربرگیرنده مفهوم گوینده و نویسنده باشد.

- مثال (۲. الف) دولت از طریق استقراض از نظام بانکی و تا حدودی وابسته بودن به درآمدهای دولت ...
- مثال (۲. ب) خواص ساختاری و مغناطیسی ترکیب‌های مذکور شناسایی شدند.

مثال (۲. الف) شامل قید «تا حدودی» است که نشانگر تردیدنمای گزاره‌محور محسوب می‌شود. عبارات تردیدنمای «گزاره محور» درگفتمان دانشگاهی بیان می‌کند پاره‌گفت‌های بیان شده بیشتر بر پایه استدلال‌های محتمل‌اند تا واقعیت‌های مطمئن. در مثال (۲. ب) فعل مجهول «شناسایی شدند» نشانگر تردیدنمای گوینده محور است که نویسنده از

^۱content-motivated
^۲speaker-motivated

این ساخت برای کمرنگ جلوه دادن حضور نویسنده در متن و همچنین تحدید تعهد خود نسبت به ادعاهای مطرح شده در متن بهره می برد. بنابراین به طور کلی در گفتمان دانشگاهی، ابزارهای تردیدنا منعکس کننده اهمیت حیاتی تمایز میان واقعیت از عقیده و نظر است (هایلند، ۱۹۹۸: ۴۴۵) و این کنش زبانی نباید نوعی عدم قطعیت تلقی شود که به طور عمومی و کلیشه ای به شخصیت زنان نسبت داده می شود (اخس، ۱۹۹۲). حال به سنجش میزان تردیدنماها در دو جنسیت پرداخته می شود. در جدول شماره ۱۰ به سنجش میزان تردیدنماها در دو جنسیت پرداخته می شود.

جدول ۱۰- جدول توزیع فراوانی نشانگر فراگفتمان تعاملی تردیدنماها در دو گروه جنسیت

گروه	زن	مرد
فراوانی	۳۱۷	۲۴۵
درصد	۵۶/۳	۴۳/۷

جدول ۱۱- جدول آزمون کای دو برای تردیدنماها

مقادیر	روش
۷/۹۵۴	آماره کای دو
۱	درجه آزادی
۰/۰۰۳	سطح معنی داری

در جدول (۱۱)، با توجه به اینکه مقدار سطح معنی داری متناظر، کمتر از ۰/۰۵ (۰/۰۰۳) است؛ از این رو فرض صفر رد می شود؛ به این مفهوم که میان نشانگر فراگفتمان تعاملی تردیدنما در دو گروه جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد.

۵-۴-۳. مقایسه توزیع فراوانی نگرش نماها در مقالات با توجه به متغیر جنسیت

نگرش نماها که در قالب نگرش نماهای مثبت و منفی ظاهر می شوند، برای بیان ارزشمند بودن یافته های پژوهش به هدف جلب توجه مخاطبان و همچنین برای ذکر محدودیت های پژوهش استفاده می شوند (زارعی فرد، ۱۳۹۲).

- مثال (۳. الف) می تواند جایگزین مناسبی برای داده های طیفی حاصله از وسایل گران قیمتی همچون اسپکتروفتومتر ...
- مثال (۳. ب) لازم به ذکر است که در امپراتوری های گذشته اگر کشورهای ضعیف تر ...

در مثال (۳. الف) نویسنده نظر مساعد خود را با کاربرد واژه «مناسب» مطرح کرده است.

در مثال (۳. ب) با استعمال این ابزار فراگفتمانی، اهمیت مطلب بیان شده را متذکر شده است.

داده های جدول (۱۲) مربوط به فراوانی نشانگر فراگفتمان تعاملی نگرش نمای موجود در دو گروه جنسیت اند.

جدول ۱۲- جدول توزیع فراوانی نگرش نماها در دو گروه جنسیت

گروه	زن	مرد
فراوانی	۳۸۹	۳۲۰
درصد	۵۴/۹	۴۵/۱

جدول ۱۳- جدول آزمون کای دو برای نگرش‌نماها

مقادیر	روش
۶/۷۱۵	آماره کای دو
۱	درجه آزادی
۰/۰۱۰	سطح معنی‌داری

با توجه به جدول (۱۳) سطح معنی‌داری معادل ۰/۰۱۰ است و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر رد می‌شود؛ بنابراین بین توزیع نشانگر فراگفتمان تعاملی نگرش‌نما در دو گروه جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد.

۵-۴-۴. مقایسه توزیع فراوانی خوداظهاریها در مقالات با توجه به متغیر جنسیت

نویسندگان زن و مرد با اهداف مشابهی از ابزارهای خوداظهاری نظیر ضمائر شخصی و ملکی اول شخص، «مای انحصاری»^۱ و واژه‌هایی مثل «نویسنده، پژوهشگر و محقق» استفاده می‌کنند.

- مثال (۴. الف) در این میان حتی اگر دوره ۱۳۸۳-۱۳۶۸ را ملاک بررسی قرار دهیم ...
- مثال (۴. ب) محقق بر این باور است که ...

مقالاتی که در دوران استیلای پارادایم اثبات‌گرایی نوشته می‌شدند، وارد کردن نگرش‌ها و افراد (خوداظهاریها و دخیل‌سازها) را توصیه نمی‌کردند (هایلند، ۲۰۰۵: ۷)؛ اما پارادایم‌های انسانی اخیر مانند پارادایم انتقادی نه تنها مخالف این موضوع نبوده‌اند، استفاده از آنها را نیز ترغیب کرده‌اند. در فارسی میزان کاربرد خوداظهاریها بسیار کم است که این نشان‌دهنده پایبند بودن نویسندگان مقالات به هنجارهای اثبات‌گرایی است. داده‌های آماری نشان دادند نویسندگان مقالات علمی-پژوهشی به میزان بسیار کمی از این راهبرد فراگفتمان استفاده می‌کنند و بدین وسیله تلاش می‌کنند حضور خود را در متن کمرنگ جلوه دهند و برعکس به برجسته‌سازی مورد مطالعه شده و یافته‌های آن بپردازند. داده‌های جدول (۱۴)، فراوانی نشانگر فراگفتمان تعاملی خوداظهاریهای کاربردی در دو گروه جنسیت‌اند و جدول (۱۵) به آزمون آماری فراوانی خوداظهاریها در میان زنان و مردان می‌پردازد.

جدول ۱۴- جدول توزیع فراوانی خوداظهاریها در دو گروه جنسیت

مرد	زن	گروه
۷۹	۷	فراوانی
۹۱/۹	۸/۱	درصد

جدول ۱۵- جدول آزمون کای دو برای خوداظهاریها

مقادیر	روش
۶۰/۲۷۹	آماره کای دو
۱	درجه آزادی
۰/۰۰۱	سطح معنی‌داری

^۱exclusive we

با تعیین مقدار $0/001$ برای سطح معنی داری متناظر با آماره کای دو در جدول (۱۵) مشخص می شود که بین توزیع نشانگر فراگفتمان تعاملی خوداظهارها در دو گروه جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد؛ بنابراین فرض صفر رد می شود.

۵-۴-۵. مقایسه توزیع فراوانی دخیل سازها در مقالات با توجه به متغیر جنسیت

از صورت های متداول زبانی که نشانگر دخیل سازند، ضمیر شخصی «شما» و «مای فراگیر»^۱ حضور مخاطب را برجسته و میان نویسنده و مخاطب پیوند ایجاد می کند. شایان ذکر است این نمونه از نشانگر فراگفتمان تعاملی بیشتر در گفتمان دانشگاهی گفتاری نظیر جلسات دفاع از پایان نامه و ارائه مقالات در همایش ها یافت می شود. نمونه دیگری از دخیل سازها صورت های پرسشی و امری اند که برای درگیر کردن مخاطب در بحث و تعامل با خواننده به کار می روند.

- مثال (۵. الف) آیا کسری بودجه ساختاری منجر به تورم می شود؟

- مثال (۵. ب) توجه کنید به نمودار شماره ۱ ...

بررسی داده های آماری بیان می کند میزان حضور دخیل سازها در پیکره بررسی شده اندک است و در بیشتر موارد نویسندگان ترجیح می دهند به جای اینکه خواننده را به طور مستقیم خطاب کنند، از وجه وصفی استفاده کنند. داده های جدول (۱۶) توزیع فراوانی نشانگر فراگفتمان تعاملی دخیل ساز را در دو گروه جنسیت نمایش می دهد.

جدول ۱۶- جدول توزیع فراوانی دخیل سازها در دو گروه جنسیت

گروه	زن	مرد
فراوانی	۱۸	۳۰
درصد	۳۷/۵	۶۲/۵

جدول ۱۷- جدول آزمون کای دو برای دخیل سازها

مقادیر	روش
۳/۰۰۰	آماره کای دو
۱	درجه آزادی
۰/۰۸۳	سطح معنی داری

با توجه به جدول (۱۷) و سطح معنی داری $0/083$ که بیشتر از $0/05$ است، فرض صفر پژوهش تأیید می شود. به عبارتی، بین توزیع نشانگر فراگفتمان تعاملی دخیل ساز در دو گروه جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد.

۶. بحث

داده های آماری و تحلیل نتایج آنها نشان می دهند بسامد رخداد انواع نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در مقالات علمی به قلم زنان به ترتیب کاهش فراوانی عبارت اند از: یقین نماها، نگرش نماها، تردید نماها، دخیل سازها و خوداظهارها که آزمون آماری کای دو نشان از وجود تفاوت معنادار میان فراوانی این نشانگرهای فراگفتمان تعاملی دارد. در مقالات علمی به قلم

^۱inclusive we

مردان نیز تفاوت معناداری میان فراوانی انواع نشانگرهای فراگفتمان تعاملی مشاهده می‌شود و ترتیب نزولی رخداد آنها بدین صورت است: یقین‌نماها، نگرش‌نماها، تردیدنماها، خوداظهارها و دخیل‌سازها. بررسی ترتیب حضور نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در هر دو گروه جنسیت نشان می‌دهد در ژانر مقالات علمی، وارد کردن نگرش‌ها در متن (با استعمال یقین‌نماها، نگرش‌نماها و تردیدنماها) اهمیت بیشتری نسبت به حضور افراد در متن (با کاربرد خوداظهارها و دخیل‌سازها) دارد. علاوه بر این، نشانگر یقین‌نما از بیشترین بسامد در میان انواع نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در هر دو جنسیت برخوردار است که این مطلب به تمایل نویسندگان برای تقویت تأثیر نتایج به‌دست آمده در پژوهش و اقناع خواننده بر درست و منطقی بودن نتایج به‌دست آمده دلالت دارد.

در بررسی تفکیکی انواع پنج‌گانه نشانگرهای فراگفتمان تعاملی در ارتباط با متغیر جنسیت نیز نتایج چشمگیری حاصل می‌شود که در این قسمت به آنها پرداخته می‌شود. آزمون آماری کای دو نشان می‌دهد تفاوت آماری معناداری میان زنان و مردان در میزان به‌کارگیری نشانگر تعاملی یقین‌نما وجود ندارد که این یافته با نتایج پژوهش‌های کریزمور و همکاران (۱۹۹۳)، فرانسیس و همکاران (۲۰۰۱) و همچنین تس و هایلند (۲۰۰۸) مغایرت دارد؛ زیرا آنها در پژوهش‌های خود به ترجیح مردان در کاربرد بیشتر نشانگرهایی دست یافتند که نشان‌دهنده قطعیت و اطمینان نویسنده باشد. آنها یافته‌های خود را به جایگاه بالاتر و مسلط مردان در نوشتار دانشگاهی نسبت دادند. همچنین داده‌های پژوهش حاضر در تضاد با یافته‌های جانسون و روئن^۱ (۱۹۹۲) و هربرت (۱۹۹۰) است؛ زیرا آنها به ترجیح بیشتر نویسندگان زن در کاربرد یقین‌نماها نسبت به مردان اشاره کرده‌اند. این تفاوت در نتایج پژوهش‌های مختلف می‌تواند ناشی از جامعه‌گفتمانی مطالعه‌شده باشد که بر کاربرد فراگفتمان تأثیرگذار است؛ اما یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند پشتیبانی برای یافته‌های روبین و گرین^۲ (۱۹۹۲) و یاوری و فردکاشانی (۲۰۱۳) باشد که تفاوت‌های اندکی را در کاربرد یقین‌نماها در الگوی نوشتاری دانشجویان زن و مرد ذکر کردند.

درخصوص نشانگر فراگفتمان تعاملی تردیدنما مشخص شد میان دو گروه جنسیت تفاوت آماری معنی‌داری وجود دارد. بدین نحو، زنان درباره کاربرد تردیدنماها از مردان پیشی گرفتند که این نتیجه با یافته‌های کریزمور و همکاران (۱۹۹۳) و مک‌میلان^۳ و همکاران (۱۹۷۷) مغایرت دارد. آنها در پژوهش خود به تمایل مردان در به‌کارگیری زیاد ابزارهای تردیدنما نسبت به زنان پی بردند و این امر را به ترجیح مردان در به‌کارگیری راهبردهای عدم قطعیت برای تعامل بیشتر نویسنده - خواننده نسبت دادند. تس و هایلند (۲۰۰۸) هیچ تفاوت معناداری را در میزان کاربرد تردیدنماها میان نویسندگان زن و مرد نیافتند؛ اما نتایج پژوهش حاضر با نظریه لیکاف (۱۹۷۵) درخصوص تمایل زنان به به‌کارگیری تردیدنماها و زارعی‌فرد و علی‌نژاد (۲۰۱۴) هم‌راستا است. لیکاف دلیل این امر را جایگاه پایین اجتماعی زنان ذکر می‌کند. شاید یافته پژوهش حاضر را بتوان به این ویژگی نسبت داد که در جامعه گفتمانی مطالعه‌شده (فرهنگ ایرانی)، زنان سعی می‌کنند محتاط‌تر عمل کنند و در مقایسه با مردان جسارت و ریسک‌پذیری کمتری دارند.

به‌کارگیری نشانگرهای نگرش‌نما در میان نویسندگان زن نسبت به مردان میزان بیشتری را نشان می‌دهد که این یافته پشتیبانی برای نظریه لیکاف (۱۹۷۵) است. او بر این باور است که استفاده بیشتر زنان از صفت‌ها و واژه‌هایی که بیان‌کننده

^۱D. Johnson & D. H. Roen

^۲D. L. Rubin & K. Greene

^۳J. McMillan

نگرش آنهاست با احساسات و عواطف آنها مرتبط است و این امر به هویت آنها به عنوان زن ارتباط می‌یابد. همچنین نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های هایلند و تس (۲۰۰۸) مبنی بر کاربرد بیشتر زنان از نگرش‌نماها همسو است.

مقایسه میزان فراوانی خوداظهارها حاکی از پیشی گرفتن نویسندگان مرد از زنان در کاربرد خوداظهارها است که این یافته با نتایج زارعی فرد و علی‌نژاد (۲۰۱۴) مشابه است. مردان با این ابزار فراگفتمان و با ارجاع به خود هویت حرفه‌ای خود را بیش از زنان بروز می‌دهند. شاید بتوان چنین اظهار کرد با توجه به فرهنگ مرسوم ایرانی‌ها، زنان به دلیل حجب بیشتر، در مقایسه با مردان، متواضع‌تر عمل می‌کنند و از این رو در تعاملات خود به میزان کمتری از خوداظهارها بهره می‌گیرند. در مقابل، مردان به علت تمایل به جلب شهرت و مقام، بیشتر به ابراز وجود با به کارگیری خوداظهارها می‌پردازند.

در میان هردو جنسیت، میزان به کارگیری دخیل‌سازها اندک است که این امر، توجه بیشتر نویسندگان مقالات علمی به متنتیت^۱ و مسئولیت‌پذیری کمتر آنها در قبال تعامل با خواننده را منعکس می‌کند. همچنین داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند مردان در مقایسه با زنان به میزان بیشتری از دخیل‌سازها بهره می‌برند؛ این مطلب دلالت بر این دارد که زنان بیش از مردان، با در اولویت قراردادن متن از درگیر کردن خواننده اجتناب می‌ورزند. یافته پژوهش حاضر با نتایج کربلائی و دوائی (۲۰۱۳)، مطابقت و با نتایج زارعی فرد و علی‌نژاد (۲۰۱۴) مغایرت دارد.

۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی با توجه به متغیر جنسیت، بر مبنای مدل هایلند (۲۰۰۵) روی پیکره‌ای شامل ۳۰ مقاله علمی - پژوهشی فارسی انجام شد. استخراج و شمارش داده‌ها نشان دادند هردو گروه جنسیت از انواع پنج‌گانه نشانگرهای فراگفتمان تعاملی استفاده می‌کنند. در هردو گروه جنسیت، بیشترین بسامد به یقین‌نماها (۳۷/۸٪) تعلق دارد و کمترین بسامد (۰/۳٪) در گروه زنان به خوداظهارها و (۱/۳٪) در گروه مردان به دخیل‌سازها اختصاص می‌یابد. همچنین با توجه به یافته‌ها و آزمون‌های آماری، در پاسخ به پرسش‌های اول و دوم پژوهش حاضر، می‌توان بیان کرد در هردو گروه مقالات به قلم زنان و مردان، تفاوت معناداری میان توزیع انواع نشانگرهای فراگفتمان تعاملی وجود دارد. در پاسخ به پرسش سوم نیز می‌توان اذعان کرد تفاوت معناداری در توزیع بسامد کلی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی با توجه به متغیر جنسیت وجود دارد؛ این نتیجه با نتایج تس و هایلند (۲۰۰۸) و کربلائی و دوائی (۲۰۱۳) همسو است که مدعی به وجود تفاوت‌های جنسیتی در کاربرد نشانگرهای فراگفتمان تعاملی شده‌اند. در پاسخ به پرسش چهارم پژوهش حاضر نیز می‌توان گفت نتایج آماری حاکی از وجود تفاوت معنادار در توزیع فراوانی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی تردیدنما، نگرش‌نما و خوداظهار است؛ در حالی که تفاوت معناداری در توزیع فراوانی یقین‌نماها و دخیل‌سازها با توجه به متغیر جنسیت یافت نشد. بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، رویکرد جنسیت‌گرا درباره تمایز میان زنان و مردان در استفاده از صورت‌های زبانی تأیید می‌شود؛ زیرا درباره توزیع فراوانی نشانگرهای فراگفتمان تعاملی به صورت کلی و انواع آنها شامل تردیدنما، نگرش‌نما و خوداظهارها تفاوت معناداری از لحاظ متغیر جنسیت وجود دارد.

^۱textuality

کتابنامه

- زارعی‌فرد، رها (۱۳۹۲). بررسی ساختار کلام جنسیت در تعاملات گفتاری دانشگاهی. پایان‌نامه دکتری دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه اصفهان.
- Ädel, A. (2006). *Metadiscourse in L1 and L2 English*. Amsterdam: John Benjamins.
- Crismore, A. (1989). *Talking with readers: Metadiscourse as rhetorical act*. New York: Peter Lang Publishers.
- Crismore, A., Markkanen, R., Steffensen, M.S. (1993). "Metadiscourse in persuasive writing: A study of texts written by American and Finnish University students". *Written Communication* 10(1), 39-7.
- D'Angelo, L. (2008). "Gender Identity and Authority in Academic Book Reviews: An Analysis of Metadiscourse Across Disciplines". *Linguistica e Filologia* 27. 205-221.
- Fairclough, N. (2003). *Analysing Discourse: Textual Analysis for Social Research*. London: Routledge.
- Francis, B., Robson, J. & Read, B. (2001). "An analysis of undergraduate writing styles in the context of gender and achievement". *Studies in Higher Education* 26(3), 313-326.
- Ghafoori, N., Oghbatalab, R. (2012). "A comparative study of metadiscourse in academic writing: Male vs. Female Authors of Research Articles in Applied Linguistics". *The Journal of Applied Linguistics*, Vol. 5, Issue 1: 87- 113.
- Grey, C. (1998). Towards an overview on gender and language variation. Retrieved November 21, 2006, from <http://www.eche.ac.uk/study/schsubj/human/English/rh/modules/337-1.htm>.
- Halliday, M. (1994). 2nd edn. *An Introduction to Functional Grammar*. Edward Arnold, London.
- Herbert, R. K. (1990). "Gender differences in compliment behaviour". *Language in Society* 19, 201-224.
- Hewings, M. (2006). "Academic writing in context: implications and applications". 79-92, London: Continuum.
- Hyland, K. (1996). "Talking to the academy: Forms of hedging in science research articles". *Written Communication* 13 (2), 251-281.
- Hyland, K. (1998). "Persuasion and context: the pragmatics of academic metadiscourse". *Journal of Pragmatics* 30, 437-455.
- Hyland, K. (2000). *Disciplinary Discourses: Social Interactions in Academic Writing*. London: Longman.
- Hyland, K. (2005). *Metadiscourse: Exploring Writing in Interaction*. London: Continuum.
- Hyland, K. (2005b). "Stance and engagement: a model of interaction in academic discourse". *Discourse Studies* 7(2), 173- 192.
- Hyland, K., Tse, P. (2004). "Metadiscourse in academic writing: a reappraisal". *Applied Linguistics* 25 (2), 156-177.
- Johnson, D., & D. H. Roen. (1992). "Complimenting and involvement in peer-reviews: gender variation". *Journal of Pragmatics* 40, 1232-1248.
- Karbalaei, A. & R. Davaei. (2013). "Interpersonal Metadiscourse in Compositions written by Iranian ESP Students". *European Journal of Natural and Social Sciences* 2 (2), 291- 300.

- Lakoff, R. (1975). *Language and Women's Place*. New York: Harper & Row.
- Mauranen, A. (1992). Cultural differences in academic rhetoric: A textlinguistic study. Unpublished Ph.D. thesis. Birmingham: University of Birmingham.
- McMillan, J., Clifton, R., Mcgrath, D., & Gale, W.S. (1977). "Women's language: uncertainty or interpersonal sensitivity and emotionality?". *Sex Roles* 3, 545-559.
- Ochs, E. (1992). Indexing gender. In A. Duranti & Ch. Goodwin (Eds.), *Rethinking Context: Language as an Interactive Phenomena*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Rubin, D. L. & Greene, K. (1992). "Gender typical style in written language". *Research in the Teaching of English* 26, 7-40.
- Serholt, S. (2012). Hedges and boosters in academic writing: a study of gender differences in essays written by swedish advanced learners of english. Unpublished article, Goteborgs University, Sweden.
- Thompson, G. (2001). "Interaction in academic writing: Learning to argue with the reader". *Applied Linguistics* 22(1), 58-78.
- Tse, p. & Hyland, K. (2008). "Robot Kung Fu: Gender and professional identity in biology and philosophy reviews". *Journal of Pragmatics* 40, 1232-1248.
- Vande Kopple, William J. (1985). "Some explanatory discourse on metadiscourse". *College Composition and Communication* 36, 82-93.
- Williams, Joseph M. (1981). 2nd edn. *Ten Lessons in Clarity and Grace* Chicago: University of Chicago Press.
- Yavari, M. & A. Fard Kashani. (2013). "Gender-based Study of Metadiscourse in Research Articles' Rhetorical Sections". *International Journal of Applied Linguistics & English Literature* 2 (2), 77- 88.
- Zarei fard, R and B. Alinezhad. (2014). "A study of interactional metediscourse markers and gender". *Journal of educational and social research* 4(1), 231- 238.

Gender in Persian Research Articles: A Corpus-based Approach to Interactional Metadiscourse Markers Based on Hyland's Model

Tahere Taremi

Ph.D. Students, Department of English, Humanities Faculty, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran

Giti Taki*

Assistant Professor, Department of English, Humanities Faculty, Sistan & Baluchestan University, Zahedan, Iran

Pakzad Yousefian

Assistant Professor, Department of English, Humanities Faculty, Sistan & Baluchestan University, Zahedan, Iran

**Corresponding author, e-mail: giti_taki2020@yahoo.com*

Abstract

Metadiscourse is a term for the metalinguistic tools used to establish interaction in discourse. Hyland categorizes metadiscourse in two major classes. One of them is interactional metadiscourse which focuses on the participants in communication, the speaker or author's identity as well as the norms of the cooperative society. Interactional metadiscourse is comprised of five markers. The goal of the present study is to investigate whether there are any significant differences in terms of gender in the general use of the markers in interactional metadiscourse as well as in the distribution of various interactional metadiscourse markers across Persian research articles. To achieve this goal, thirty Persian single-author research articles were investigated. Half of the articles' authors were female and the other half were male. The interactional markers and their frequencies in the corpus were closely evaluated considering the situational context. The data were analyzed using SPSS. The findings indicate that, regarding the gender variable, there is an overall significant difference in the frequencies of the interactional metadiscourse markers. Further, the separate review of these markers in relation to gender shows that there are significant differences in the use of hedges, attitude markers, and self-mentions and there is no significant difference in the use of boosters and engagement markers between male and female writers. In short, the results of the present study confirm a gender-based approach in the distribution of linguistic forms.

Keywords: Metadiscourse, Interactional Metadiscourse Markers, Gender, Persian Research Articles, Hyland's Model